



انتشار اندیشه‌های علامه طباطبائی شاهد آشکاری بر منش جمع‌گرایی ایشان است

انتشار افکار و اندیشه‌های علامه طباطبائی در محافل حوزوی و دانشگاهی خود شاهد آشکاری بر روحیه جمعی و منش جمع‌گرایی ایشان در عین توجه به خلوت و روحیه عرفانی است و بدایه و نهاییه، حتی در زمان حیات ایشان، کتاب درسی طلاب و دانشجویان بود.

انتشار افکار و اندیشه‌های علامه طباطبائی در محافل حوزوی و دانشگاهی خود شاهد آشکاری بر روحیه جمعی و منش جمع‌گرایی ایشان در عین توجه به خلوت و روحیه عرفانی است و بدایه و نهاییه، حتی در زمان حیات ایشان، کتاب درسی طلاب و دانشجویان بود.

حجت‌الاسلام و المسلمین سیداحمد رهنمایی، عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) و نویسنده کتاب تازه منتشر شده «مکتب تربیتی علامه طباطبائی»، در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران(ایکنا) با اشاره به وجه اجتماعی شخصیت علامه طباطبائی اظهار کرد: انتشار افکار و اندیشه‌های علامه در محافل حوزوی و دانشگاهی خود شاهد آشکاری بر روحیه جمعی و منش جمع‌گرایی ایشان در عین توجه به خلوت است.

وی با ذکر خاطراتی ناظر به وجه اجتماعی علامه طباطبائی افزود: کسانی که منزوی بوده‌اند، افکارشان به سادگی بلافاصله پس از رحلتشان منتشر نمی‌شد، در حالی که علامه طباطبائی در همان زمانی که در قید حیات بودند، کتاب *بدایة الحکمه و نهاییه الحکمه* ایشان کتاب درسی طلاب حوزه و دانشجویان دانشکده‌های معقول و منقول بود.

وی بیان کرد: به‌ویژه آن‌که ایشان در تفسیر المیزان به این نکته بسیار جالب توجه اشاره می‌کنند که انسان مدنی بالطبع است؛ عقیده ایشان این بوده که انسان با توجه به طبیعت و ذات خود مدنی و اجتماعی است، نه این‌که جمعی بودن و اجتماعی بودن را به انسان تحمیل کرده باشند.

رهنمایی ادامه داد: «انسان مدنی بالطبع» بدان معناست که هنگامی که خداوند انسان را آفرید، او را مدنی و اجتماعی آفرید؛ کسی که خود چنین اعتقادی دارد، نمی‌تواند به اعتقادات خود پشت پا بزند و از روح جمعی فاصله بگیرد. این امر در جامعه‌شناسی بسیار مشهود است و یکی از اصول مورد توجه در جامعه‌شناسی امروز، همین نکته‌ای است که علامه طباطبائی از طریق قرآن کشف کرده است.

کسانی که منزوی بوده‌اند، افکارشان به سادگی بلافاصله پس از رحلتشان منتشر نمی‌شد، در حالی‌که علامه طباطبائی در همان زمانی‌که در قید حیات بودند، کتاب *بدایة الحکمه و نهاییه الحکمه* ایشان کتاب درسی طلاب حوزه و دانشجویان دانشکده‌های معقول و منقول بود.

وی عنوان کرد: البته در اواخر عمر ایشان رمق چندانی برای ایشان نمانده بود که در مجامع حضور داشته باشند؛ اما با همان حال بیرمقی و کهولت سن وقتی انسان ایشان را نگاه می‌کرد، کاملاً به روحیه جمعی ایشان پی می‌برد. البته ما این احساس را نسبت به مرحوم آیت‌الله‌العظمی بهجت نیز داشتیم. ایشان با این‌که از نوادر عرفان عملی بودند، اما روحیه جمع‌گرایی در نمایش چهره، حرکات و رفتار ایشان و حتی سکوت ایشان بسیار معنادار بود.

نویسنده کتاب «مکتب تربیتی علامه طباطبائی» با بیان این‌که امیدواریم ما نیز بتوانیم از سیره عملی ایشان ره‌توشه‌ای بگیریم، افزود: در این اثر مرحوم علامه طباطبائی را نه به شخص، بلکه به شخصیت ماندگارشان مورد توجه و بررسی قرار داده‌ایم؛ شخصیت ماندگاری که در سیرت و صورت بزرگانی چون آیت‌الله شهید مطهری، آیت‌الله جوادی آملی، آیت‌الله حسن‌زاده آملی، آیت‌الله مصباح یزدی و بسیاری از بزرگان دیگر متجلی شده است.

مدیر گروه علوم تربیتی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) افزود: از همین رو مکتب تربیتی علامه را به صورت یک منظومه در نظر گرفته‌ایم که خورشید فروزان این منظومه شخص علامه طباطبائی و ستارگان و ماه‌هایی که از این خورشید نورانیت می‌گیرند، افرادی هستند که بر گرداگرد وجود این شمس فروزان حضور دارند و گرمابخش و روشنایی‌ده اطراف و اکناف عالم هستند.

رهنمایی با بیان این‌که از میان اندیشمندان مسلمان، به‌ویژه در عصر کنونی، کمتر کسی را از نظر جامعیت و کمال علمی در حوزه فلسفه و معارف اسلامی می‌توان هم‌وزن و هم‌سطح علامه طباطبائی و شاگردانش دانست، تصریح کرد: علامه به‌حق خورشید فروزانی است که در عصر تاریکی و بیداد کفر و طاغوت با تربیت دانشورانی برجسته منظومه‌ای پویا و پایدار از دانش و معرفت پدید آورده است؛ منظومه‌ای که با انتشار نورانیت خود آفاق جهانی را درنور دیده و ذهن‌های هشیار جوامع اسلامی را متوجه خود کرده است.

